مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

شنبه ۴ اسفند ۱۴۰۳ - ۲۳ شعبان ۱۴۴۶ - ۲۲ فوریه ۲۰۲۵ - سال بیست وچهارم - شماره ۶۴۸۳ - ۱۲ صفحه - ۱۰۰۰۰ تومان

اگر عزتمندانه بیایند مذاکره می‌کنیم

صفحه۲

فروپاشی اقتدار بریتانیا

صفحه۱۱

«مردم سالاری» اقدامات ایذایی تندروها علیه دولت را بررسی می‌کند

مین‌گذاری تندروها در میدان اقتصادی

صفحه۲

تا تحریم‌ها رفع نشود شاهد کاهش ارزش پول ملی خواهیم بود

دبیر کل حزب مردم سالاری گفت: اگر بگویم ۷۰ درصد افزایش قیمت دلار مربوط است به عوامل اقتصادی داخل، حتما ۳۰ درصد مربوط به بحث روابط بین الملل، دیپلماسی و اقتصادی با کشورهای جهان است؛ تا تحریم‌ها رفع نشود شاهد کاهش ارزش پول ملی خواهیم بود. مصطفی کواکبیان، دبیر کل حزب مردم ســالاری در گفت‌وگو با دیدار نیوز در پاسخ به این سوال که...

صفحه۳

سیاسی‌بازی گروسی با برجام

گروه دیپلماسی - مهدی یزدی: مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تکرار ادعاهای سیاسی درباره برجام مدعی شد که این توافق به یک پوسته خالی تبدیل شــده و باید چارچوب جدیدی برای نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران تدوین شود. رافائل گروســی در نشست خبری در توکیو که فرازهایی از آن در رسانه‌ها منتشر شده است، با تکرار این ادعا که برجام دیگر...

صفحه۱۰

افشای مذاکرات غیر رسمی آمریکا و روسیه

گروه بین‌الملل- الهام یلمی: خبرگزاری رویترز در گزارشی به نقل از سه منبع آگاه که خواستند نام آنها فاش نشود، نوشت: مقام‌های آمریکایی و روسی از ماه‌ها پیش از جمله در هفته‌های گذشته برای مذاکره درباره جنگ اوکراین در سوئیس با یکدیگر ملاقات کرده‌اند. هنوز مشخص نیست که آیا مقام‌های شرکت‌کننده در این مذاکرات از سوی دولت‌های آمریکا و روسیه..

صفحه۱۱

کارشناسان اقتصادی از افزایش قیمت‌های اخیر رمزگشایی کردند

پشت پرده گرانی باورنکردنی کالاهای اساسی

صفحه۷

یادداشت

صدارت خرد، راه حل بنیادی ایران

ابوالفضل فاتح

در آخرین یادداشت درباره انتخابات آمریکا که روز ۱۷ آبان ماه گذشــته بلافاصله بعد از پیروزی ترامپ و تاثیر آن با عنوان «تجاری شدن سیاست و تغییر ماهیت دولت» تقدیم شد، چنین آمد:

«برای ترامپ اصول و ارزش‌ها قابل تجارتند. آمریکای جدید، پیشران سیاسی - نظامی اتحادیه راستگرایان جهان خواهد بود. جهان و «جهانی شــدن»، شاهد تغییر ماهیت دولت و سیاست ورزی در آمریــکا به یک «ابر بنــگاه اقتصادی» خواهد بود. این ابربنگاه، شبکه دانه درشت‌ها و لشکر خود را خواهد یافت. در این شبکه، همه چیز حول محور «ابر سرمایه داران جهان» با رهبری سیاسی - نظامی دونالد ترامپ و سلطه اقتصاد دیجیتالی ایلان ماسک‌ها و جف بیزوس‌ها وبازیگری کارتل‌ها و تراست‌هایی نظیر بن سلمان‌ها و شیخ زائدها و امثال آن خواهد گشت و به نوعی با «فراملی شدن پیوند سرمایه‌داران» و نقش آفرینی آنها در آینده اقتصاد و سیاست بین‌الملل در ذیل قدرت آمریکا و در رقابت با قدرت هایی چون چین و روســیه مواجه خواهیم شد. این که تا چه اندازه جهان به آنان اجازه پیشروی دهد، نکته دیگری است.

ترامپ خود را بهترین دوست تاریخ اسرائیل می‌داند و نه تنها از حق دفاع اسرائیل که از حق پیروزی اسرائیل سخن می‌گوید و این پیروزی را ســریع هم می‌خواهــد! پیمان ابراهیم و حاتم بخشــی‌های ترامــپ از قدس و جولان و چه بســا غزه و لبنان نیازمند تامل است.

پیشینه رابطه ایران با دولت ترامپ، پیچیدگی‌های بسیاری دارد. ترامپ، واضع فشار حداکثری علیه ایران است. در شرایطی کــه از ترامپ تا نتانیاهو و از هم پیمانــان اروپایی تا منطقه‌ای شــان به تناسب جبهه متحدی تشکیل خواهند داد، ایران برای حفظ منافع و مصالح ملی و عبور از این گردنه خطرناک، نیازمند طراحی راهبردی جدیدی است. سیاستی دگر باید.

جهان، نیازمند باز اندیشــی و تامل و عقلانیت و تدبیر است. این گونه نیست که بشریت تسلیم و آنها همه کاره عالم خواهند بود. شاید آمریکا از درون بیشتر دو قطبی خواهد بود، اما، جهان آینده، چند ضلعی است» (یادداشت آبان ماه).

اما بعد:

«از تمدن سایبری تا سلطه دیجیتالی»؛

اینک سه ماه پس از انتخابات آمریکا، آنچه ترامپیسم و برتری طلبی سفید، در جســتجوی آن بوده یا هستند، آشکارتر شده است؛ تسلط بر افکار و منابع ملت‌ها و تبدیل جهان به «کارخانه پول‌سازی» با حکمرانی دیجیتالی راست افراطی.

درباره مواهب تمدن سایبری جداگانه باید نوشت از دسترسی بی درنگ و بی ســابقه به اطلاعات، اقتصــاد دیجیتال، هوش مصنوعی و جمعی و تغییر ســبک زندگــی و .... در این حال، آنچه ابر کمپانی‌های «ســیلیکون ولی» به ویــژه از اوایل قرن بیســت و یکم بنا نهادند، صرفا ابداعاتی نبود که سرعت و اعجاز تکنولوژیک را قرین زندگی بشر نماید. اگر بتوانند، در کهکشان اینترنتی و جهان شبکه‌ای مد نظر آنان، هر انسان ذره ایست که در دامنــه «نفوذ الگوریتمی» و اراده صاحبان «ابر داده» حرکت خواهد کرد. چرا که هر خط اینرنت، مویرگی است که تا آخرین ســلول مغز کاربر امتداد پیدا می‌کند و هــر «داده» می‌تواند بر کروموزوم‌های افکار بنشیند و تحت بستر هوش مصنوعی تغییر و حتی جهش ایجاد نمایــد. در جهانی که غالب کامپیوترها یا تحت «ویندوز» اســت یا «اپل»، به همراه بیش از سه میلیارد حساب فیس بوک، دو میلیارد و نیم حساب یوتیوب، دو میلیارد حساب اینستاگرام و نزدیک هفتصد میلیون حساب «ایکس» و روزانه هشت میلیارد جستجوی گوگل و شبکه ارتباطی جهانی و عمیق دو میلیاردی واتس اپ و صدها میلیون اسکایپ و میت و ســیگنال و زوم...، و مهم‌تر از پلتفرم‌های هوش مصنوعی، که همه تحت مالکیت و سلطه اطلاعاتی ابر شرکت‌های آمریکایی است، «استقلال دیجیتالی» بخشی جدایی ناپذیر از مفهوم توان و استقلال ملی است. می‌توان گفت، اعمال «سلطه دیجیتالی» از طریق پلتفرم‌های جهانی و هوش مصنوعی از اعمال قدرت با بمب‌های اتم چه بســا مهم‌تر و وحشتناکتر باشد. مهم‌تر، چون ابزار قدرت نرم و سخت است و لذا هنوزفراگیر نشده، در اندیشه ســهمیه‌بندی آن برآمده‌اند تا تنها چند قدرت بر حکمرانی آن انحصار داشته باشند. وحشتناک تر است، چون یک تهدید بالفعل پیوسته و شبکه ای است، نه صرفا بالقوه و نقطه‌ای و بازدارنده.

اروپا، مرغ نیم بسمل

اگــر امروز اروپا مثل «مرغ نیم بســمل» برای بازیافت نفوذ داخلی و جهانــی خود، بال بال می‌زند و مرکز کنترل راســت جهانــی از آمریکا، برایش تعیین تکلیف می‌کند و بســیاری از معادلات او را کنار می‌گذارد، به اتکاء قدرتی است که آمریکا در نظام طبقاتی و توانمندی و شــکاف دیجیتالی و مالکیت داده با اروپا و جهان به دست آورده است وناشی از آن است که اروپا در غفلتی چند ده ســاله، به رغم برخورداری از دانش و تکنولوژی، هیچ پلتفرم اجتماعی با نفوذ قاره ای و جهانی تاســیس نکرد و لذا پلتفرم اروپایی موثری نه تنها در ســطح جهان که در سطح اروپا هم وجود ندارد و قدرت نرم دیجیتال غرب در جهان، تماما به آمریکا واگذار شده است. آمریکا با سرمایه‌گذاری عظیم دولت در زیر ســاخت‌ها و همچنین نظــام مالیاتی و حریم خصوصی و سیاســت‌های حمایتی از ابر کمپانی‌ها و اغماض نســبت به سیاست‌های حقوق بشری، راه را برای ریشه دواندن و یا مهاجرت بیلیونرها و اســتارتاپ‌های جهانی به خود باز کرد. اروپا ناگهان بیدار شده و دریافته که تقریبا تمام کاربران این منطقه از جهان به همراه تمام مگا اینفلوئنسرها و میکرو انفلوئنسرها و میم سازها و... بر روی شــبکه‌های اجتماعــی آمریکایی یا چینی، به تولید محتوا و یا تبادل پیام پرداخته و وابسته و مصرف کننده محض این شبکه‌ها هستند و همین شبکه‌ها هستند که با آلگوریتم‌های حساب شده و دستکاری ترندها، برای اروپا و جهان اولویت سازی می‌کنند. شــاید باور نکنید در انگلستان، که از قدرت‌های اتمی و دائم شورای امنیت است، عمده شبکه‌های ارتباطی اجتماعی و بیــن فردی دیجیتالی، متعلق به آمریکا اســت و تقریبا هیچ پلتفرم اجتماعی انگلیسی در انگلستان یا اروپا و جهان شناخته شــده نیست. حتی در ســطح اقتصاد خرد دیجیتالی وابستگی و هژمونی تا آنجاســت که امروز اگر مادری برای فرزندش یک ساندویچ از رستوران سر خیابان بخرد یا بخواهد به ایستگاه قطار برود یا کالایی از هر ســوی جهان سفارش دهد، یا حتی چیزی را حراج کند، این «اوبر» و «آمازون» و « ای‌بِی» آمریکایی است که آن را ســامان می‌دهد و البته این پلتفرم‌ها بیش از چاه‌های نفت و کارخانه‌های اسلحه‌سازی و ... برای آمریکا، قدرت و ثروت می‌سازند و از همین جاست که بیلیونرهای جهان یک به یک از بستر دیجیتالی آمریکا سر برآورده و می‌آورند. در جهان دیجیتالی شده، چه بسا اروپا هنوز درنیافته که اگر شکافش با آمریکا عمیق تر شود چه بسا هر کامپیوتر و بلکه هر اکانت یک «پیجر انفجار و تخلیه و راهبری اطلاعاتی» اســت، و استراتژیست‌های امنیت ملی اش باید هرچه سریعتر راه حلی پیدا کند و البته این درباره اغلب کشــورها در« جهان یا دهکده سایبری» مصداق دارد. در جهانی که «تمدن ســایبری» بخشی تفکیک ناپذیر از تمدن و حیات بشری اســت، اروپا و هر کشور دیگری نمی‌تواند سهمی از حاکمیت و مالکیت داده و زیرســاخت جهانی نداشته باشد و حتی بخشی از حکمرانی موتورهای جستجوی جهانی نبوده و یا حتی یک موتور جســتجو از خودش نداشته باشد، اما استقلال دیجیتالی خود را حفظ کند. از این روست که اروپا و چند کشور متمول دیگر به تازگی در فکر ســرمایه‌گذاری چند صد میلیارد یوروئی در هوش مصنوعی افتاده‌اند.

چین؛ نقش آفرینی جهانی روس استقلال و تهاجم سایبری

در این میانه تنها دو کشور بوده‌اند که از همان ابتدا هوشمندانه، سازی متفاوت زده‌اند. یکی چین که با درک درست از روندهای جهان آینــده و در قامت یک «ابر کمپانی» با میلیون‌ها کارگر، با کپی‌برداری از نمونه‌هــای آمریکایی و ابداعات وطنی، «تیک تاک» و «علی بابا» و «دیپ سیک» و موتور جستجوی «بایدو» و چندین رســانه اجتماعی دیگر چینی و آزادی‌های اجتماعی مطلوب نسل جوان چین، به جای واگذاری تام و تمام عرصه به آمریکا، به رقابت جهانی ورود کرد و دیگری روسیه که گرچه با تمرکز بر هک سازمان یافته، بیشتر راهبردی انفعالی - تهاجمی را اتخــاد کرد، اما با موتور جســتجوی «پاندکس»، و شــبکه اجتماعی «وی کی»، میزبانی و البته تاثیرگذاری بر افکار عمومی روس نژادهــا و روس زبان‌های جهان راهــدف قرار داد؛ چرا که «محیط زیست مجازی و ارتباطی» جامعه روس‌های جهان چه در داخل و چه در خارج برای روســیه مهم بوده است. «تلگرام» نیز توسط دو شهروند روس راه‌اندازی شد، و گرچه اینک از مرکز امارات اداره می‌شود، دشوار است که آن را اصلا روسی نشمرد.

کشاکش زیست بوم‌های دیجیتالی

این مدیریت ترافیک اطلاعات، تاثیرگذاری بر افکار عمومی و اقتدار دیجیتال چنان اهمیت دارد که آمریکا با همه ساز و کار امنیت ملی اش، در اندیشه مالکیت، کنترل یا حتی فیلتر «تیک تاک» بوده است و دیگری «دیپ سیک» را پروپاگاندای چینی می‌نامد و فیلتر می‌کند و از سوی دیگر موضوع آنقدر پیچیده است که آمریکا به رغم برخورداری از همه پلتفرم‌های ارتباطی با نفوذ جهانی نظیر «فیس بوک» و «ایکس» و «اینستا» و «یوتیوب» و «واتس اپ» ...، نمی‌تواند مانع مهاجرت کاربران جوان آمریکایی به ســوی «تیک تاک» شود و یکصد و هفتاد میلیون آمریکایی یعنی اکثریت کاربران فعال رســانه‌های اجتماعی‌اش، صاحب اکانت تیک تاک شــده‌اند. چرا که فضای آلترناتیو چه در شکل و قابلیت‌ها وچه در محتوا، اقتضای «محیط زیست مجازی» به ویژه برای جوانان اســت و اگر هر جــا را بتوان با هژمونی «تک گفتمانی» پیش برد، اعمال هژمونی «تک گفتمانی» در این فضا بسیار دشوار یا نزدیک محال است. لذا، هم باید بدانیم که داشتن توسعه زیرساخت دیجیتال وطنی از جمله رسانه‌های اجتماعی و اینترنت و ســرورها و موتور جستجوی ملی و توانمندی‌های پیشرفته هوش مصنوعی و در یک کلمه «زیست بوم پیشرفته و جامع سایبری» برای تمام ملت‌ها ضروری است و هم فیلترینگ و انقطاع از «زیست بوم سایبری جهان» برای بسیاری از کشورها نه راه حل است و نه ممکن. چین هم اگر روزگاری چنین کرد، از توانمندی منحصر بفردی در معماری و بهینه ســازی شبکه و ایجاد پلتفرم‌های توانمند اجتماعی با آزادی متناســب نیاز و فرهنگ جوانان چینی برخوردار بود. کشاکش غیر متقارن آینده، جنگ و رقابت محیط زیست‌های دیجیتالی است که بتواند نبض افکار عمومی و اقتصاد و سیاست را با همه پیچیدگی‌هایش درک کند و مصرف کننده محض نباشد.

گام‌های ایران

ایران نیز در عرصه شبکه ملی، توانمندی‌های رسانه اجتماعی و تجارت دیجیتالی گام‌هایی برداشت. در قدرت و ارتش سایبری نیز بیشــتر مدل مبتنی بر هک و امنیت سایبری را تکرار کرد که تداعی مدل روســی را می‌نمایــد یا این تفاوت که در عرصه پلتفرم‌های اجتماعی و ایجاد پلتفرمی جهانی دســتاورد مهمی کســب نکرد. نمونه‌هایی نظیــر بله و ایتا و... بــه دلیل ضعف زیرســاخت‌ها و ســخت افزارها و نرم افزارها و البته فرو ریزش اعتماد عمومی به میزان مصونیت حریم خصوصی و تفاوت عمیق آزادی‌های اجتماعی و سیاسی‌اش با نمونه‌های خارجی، موفقیتی بدست نیاورد و طبیعتا نمونه‌ای منطقه‌ای یا جهانی نیز ارایه نشد. در این حال پلتفرم‌های تبادل کالا و حمل مســافر و نقشه یابی که ماهیت سیاسی کمتری داشتند یا نداشتند، توانستند گام‌های مهمی در پاسخ به نیاز ملی بردارند. همین طور، در عرصه شبکه ملی اطلاعات گام‌های موثری برداشته شده و هم اکنون بسیاری از خدمات و سرویس‌های دولتی بر بستر این شبکه ارائه می‌شود اما در حوزه‌هایی همانند موتور جســتجو و تکنولوژی‌های نوین هوش مصنوعی هنوز گام‌های اساسی یا ملموسی برداشته نشده و بــه دلیلی که در انتهای متن می‌آیــد موفقیت قابل توجهی حاصل نشده است.

جهان کارخانه پول‌سازی راست جهانی؟

از منظر اقتصادی - سیاسی، جریان «آلت - رایت» که آمیزه برتری طلبی نژادی و ناسیونالیسم جاه طلب سفید است، جهان را کارخانه پولســازی و انسان‌های دیگر را ابزاری بیش نمی‌داند. آنها به دنبال حقوق بشــر و ارزش‌های دموکراتیک نیســتند و البته قبلا هم برای کشــورهای دیگر به واقع چنین ارزش‌هایی را دنبال نمی‌کردند، مگر آن که منافعی می‌داشت. آنها امروز اگر به دنبال صلحند از این روســت که سرمایه و قدرتی که امروز با صلح به دست می‌آید با جنگ به دست نخواهد آمد، مگر آن که مجبور باشند با جنگ به تثبیت قدرت و ثروت بپردازند. این در حالی است که در جهان و اقتصاد نفتی قرن بیستم، کارخانه‌های اسلحه‌سازی بهترین ابزار ســلطه بر مجاری ثروت و پول‌سازی بوده‌اند.

طبقه بندی پنجگانه ملت‌ها در هژمونی راست دیجیتالی

از نظر راســت دیجیتالی که نمونه و نماینده سایبری نمادها و ارزش‌های راســت افراطی جهانی است، کشورها و ملت‌ها به میزانی که می‌توانند کاربرانی خریدار یا مصرف کننده باشــند، حائز اهمیتند. راســت دیجیتالی جهان را به پنج دسته تقسیم می‌کند. شــعار «آمریــکا اول» فقط به معنــی اولویت دادن به آمریکا نیســت، معنی دیگر آن این است که آمریکا مرکز جهان اســت. مدار دوم، چین و روسیه هستند که تمام تمرکز بر مهار و کنترل آنهاســت. مدار سوم، نظیر اروپا و استرالیا و ژاپن و کره جنوبی و هند و اندونــزی و مالزی و برزیل و آفریقای جنوبی و تا حدی ترکیه و کشورهای نسبتا پیشرفته‌ای در آسیای جنوب شرقی را شامل می‌شــود که خود صاحب سرمایه و تکنولوژی اند و هم مقصد بســیاری از ســرمایه‌گذاری‌های عربی و شرقی و آفریقایی اســت، اقتصاد دیجیتالی آن فعال اســت، و مصرف کننده‌ای سیری‌ناپذیری است. مدار چهارم، که نظیر بسیاری از کشورهای سرمایه دار عربی از عربستان و امارات و قطر و بحرین و کویت و عراق یا پر جمعیت مثل پاکستان... تا سال‌ها مشتریان خوبــی برای هر نوع محصول و سرویســی خواهند بود. الباقی، مدار پنجم، که فعلا مد نظر سرمایه‌داری جهانی نیست به شرط آن که مزاحمت ایجاد نکند. از این روی، بســیاری از کشورهای آفریقایی فعلا هدف نیستند، و از افغانستانی که نه به این زودی‌ها دیجیتالی خواهد شــد و نه پولی برای خرید خواهد داشت باید بیرون کشید و یا سوریه را نیز مسئله اصلی خود نمی‌داند، چون سوریه نمی‌تواند پولساز باشد که هزینه‌ساز است و اگر چاه نفتی دارد در اشــغال است. سوریه و افغانســتان و لبنان و سودان و ســومالی و کوبا و نیکاراگوئه و... هر کشور دیگری حتی اوکراین نبایــد صلح جهانی را بر هــم زده و یا مزاحمت ایجاد کنند و یا هزینه بتراشند، مصر و اردن و بسیاری دیگر از همپیمانان عربی و غیر عربی نیز باید به آرامش کمک کنند، تا آنها بتوانند به سرعت سلطه دیجیتالی خود را بر جهان و منطقه گسترش دهند. آمریکا بســیاری از کمک‌های ادعایی‌اش را به کشورها و سازمان‌های بین‌المللی قطع می‌کند، چرا که راه‌های سلطه بهتری فراهم شده است. البته آمریکا روزی به این کشورها بازخواهد گشت؛ روزی که بتوانند دیجیتالی شوند، بخرند و هزینه‌های طرف آمریکایی را هم تامین نمایند. چرا که در رویکرد جدید، ثروت و منابع، مسئله محوری آمریکاست.

آمریکا و هیبرید دو استراتژی

آری جهان با مرکزیت آمریکا، ایده مطلوب راســت ســفید افراطی است. آنها که روزی به دنبال «مکدونالیزه» و «هالیوودی کردن جهــان» بوده‌اند، اینــک با بهره‌گیــری از«هیبرید» دو استراتژی «اقیانوس سرخ» و «اقیانوس آبی» که اولی مبتنی بر رقابت مستقیم و تهاجمی، و دومی مبتنی بر «خلق عرصه‌های جدید بدون رقابت، با تمرکز بر تمایز و کاهش هزینه‌ها است»، هر روز چالــش و رقابتی جدید برای جهان ایجاد می‌کنند تا با برقراری معادله‌ای جدید، دیگران را ذیل یا پشــت سر خود قرار دهند و در بستر آن سیاست‌های دیگر خود را نیز پیش برند. از این روی از یک سو به جنگ تجاری با چین و یا اخراج مهاجران و از سوی دیگر در غزه و لبنان و اوکراین مطالبه آتش بس و پایان فوری جنگ‌ها را می‌کنند. از یک سو سیاست فشار حداکثری به ایران را امضا می‌کنند و از ســوی دیگر سخن از توافق یک شبه می‌گویند. بر همین اســاس اگر ناگهان مدعی کل غزه و تبدیل آن به بنگاه مســتغلات و همزمان جهنم ساختن آن در صورت آزاد نشدن اسرا، یا بلعیدن هر جای دیگر جهان از کانادا تا پاناما و گرینلند شده‌اند و یا حتی در انتخابات، کشورهای متحد خود دخالت و یا به همپیمانان فشار اقتصادی وارد می‌کنند، به دلیل همین اســتراتژی هیبریدی و برای همان معادله و نظم جدید است و تعجبی نباید کرد.

جنبش‌های پیشرو دیجیتال در برابر راست افراطی

آمریکا بر این باور اســت که اروپا در نهایت راهی جز تمکین ندارد، به ویژه که سراســر اروپا با خیزش برتری‌طلبان راســت مواجه اســت و بسیاری از کرسی‌ها را در پارلمان اروپا و چندین کشور از جمله فرانسه و هلند و ایتالیا و اتریش و فنلاند و سوئد اشغال کرده و درآلمان و انگلستان در حال سر برافراشتن‌اند. آنها چنان که با شبکه «ایکس» ایلان ماسک و فیس بوک زاکربرگ، ترامــپ را «ری برند» کردند، در حال احیاء راســت افراطی در هر گوشه جهان هستند. البته آنها خالق هستی و مالک اراده‌ها نیستند که قادر به هر چه بخواهند باشند و چه بسا نخبگان اروپا بــا توجه به برخورداری از دانش و تکنولــوژی و آزادی، در برابر هژمونی طلبی راســت جهانی، جریانی پیشرو را سامان دهند و به دیگر جنبش‌های پیشروی جهان بپیوندند و شعبه‌ای از این جنبش در محیط زیست مجازی یک جریان انسانی، آزادی‌خواه، تا عدالت طلب و چپ پیشرو دیجیتالی را شکل دهد.

در میان کشــورها در حــال حاضر دو رقیب اصلی راســت آمریکایی، چین و روســیه و استثنای آن اسرائیل و ایران و کره شــمالی و تا حدی ونزوئلا است. کره شمالی به دلیل هسته‌ای بــودن و ونزوئلا بــه دلیل نفتی بودن هر کــدام به نوعی مورد توجه‌اند. اســرائیل که عقبه سیاســی و اقتصادی و ایدئولوژیک دولت پنهان آمریکا و ابر ســرمایه‌داران فعلی را شکل می‌دهد، از سیاست جدید منفعت طلبی اقتصادی آمریکا مستثنی خواهد بود و مورد حمایت قرار خواهد داشــت و تلاش خواهد شد که گســتره جغرافیایی و سیاسی و دیجیتالی آن توسعه یابد وهاب و مرکز منطقه باشد. البته راهبرد آنان با مدل پرتنش و نافرمان نتانیاهو متفاوت اســت و بعید است نتانیاهو عنصر مطلوب این جریان باشد و فعلا حفظ او را برای کنترل ایران مد نظر دارند.

اما ایران، به دلیل منابع اســتراتژیک انسانی و سرزمینی، و برخورداری از قدرت نظامی و نفوذ ایدئولوژیک در جهان تشیع در حــال حاضر در مدار دیگری قرار می‌گیــرد. نه می‌توانند از ایران چشــم بپوشند و نه ایران در شرایطی است که به کارخانه پول‌سازی آنها تبدیل شود.